

دلتنگی برای خانه (تعمق پاپ اعظم فرانسیس)

این دلتنگی برای خدا است که ما را برا آن می‌دارد که هویت خویش را در او بیابیم. این آگاهی، در طول تاریخ نیز در قوم بنی اسرائیل رشد نمود، پاپ اعظم همه را دعوت نمود تا نگاهی به درون خود اندازند تا نور این دلتنگی در قلب را خاموش ننمود.

در طول راز قداس قربانی مقدس اول اکتبر مصادف با یادبود قدیس ترزای کوچک در کلیسای خانه قدیس مارتا، پاپ اعظم با رجوع به رساله اول، که بر گرفته از کتاب نحمیا است (۸: ۱-۴؛ ۵-۶؛ ۷-۱۲)، برای یادآوری که متن مزبور بیان گر « پایان تاریخ طولانی، تاریخ یکصد ساله: قوم بنی اسرائیل که به بابل اسیر برده شده بود، از اورشلیم دور بودند، و سالهای طولانی در آنجا زندگی می‌نمودند » و « بسیاری از آنها به زندگی آنجا عادت نموده بودند و وطن خود را فراموش نموده بودند » اما « در بطن آنها چیزی بود که همیشه آنها را یاد خاطرات می‌انداخت، و زمانی که به یاد می‌آوردند، همراه با مزمور، میسرآیدند، » زبانم به کامم بچسبد اگر لحظه ای خاطره تو را فراموش نمایم». (مزمور ۲۲)

در هر صورت، پاپ فرانسیس در ادامه فرمودند: « خاطره ای غیر ممکن بود، بسیار دور، گذشته ای که بازگشتی نداشت » تا زمانی که، « نحمیا، یک اسرائیلی نزدیک به پادشاه، توانست اجازه بازگشت به اسرائیل و بازسازی آن را بدست آورد، چرا که همه جای آن ویران گشته بود » بدینگونه « تاریخ بازگشت به اورشلیم پس از سالها دوری آغاز می‌گردد ».

« تاریخی بسیار دشوار است، چرا که باید وسایل لازم برای بازسازی از قبیل چوب و سنگ را برای ساخت دیوارها، حمل می‌کردند. اما آنجا نیز، اشخاصی بودند که با این امر مخالف بودند و از ساخت دیوار جلوگیری میکردند ». بنابراین « آنانی که میخواستند شهر را دوباره بسازند، شبها پاسداری دیوارها را می‌نمودند، و اینچنین ادامه یافت ».

چنین ادامه دادند، با اشاره به متن کتاب مقدس فرمودند: « قربانگاه های بت پرستان را ویران ساخته و محراب خدا را ساختند، معبد را ». در حقیقت، این کار یک روزه نبود بلکه سالها به طول انجامید. و در پایان، روزی فرا رسید که امروز آن را شنیدیم، آنها کتاب تورات را آوردند.

این نحمیا بود که از عزرا خواست تا برای همه ی مردم قرائت نماید. بنابراین، عزرا با کمک کاتبان دیگر، تورات را قرائت می‌نمود و مردم بیاد می‌آوردند آنچه را که به یاد داشتند حقیقت بود، آن خاطره ای

که آنان را برا آن می داشت تا در طول اسارت، بسرایند، « چگونه سرود خداوند را در سرزمین بیگانه بخوانیم؟ » (مزمور ۱۳۷) آن قوم این را احساس نمود آنچه را که مزمور می گوید: « چون خداوند اسیران صهیون را باز آورد، دهان ما از خنده پر گشت » (مزمور ۱۲۶). براستی قومی شاد هستند.

پاپ فرانسیس به این اشاره نمود که، قوم بنی اسرائیل « شاد بودند و گریه می نمودند، و کلام خدا را می شنیدند، هم شادی داشتند و هم اشک، همه با هم » چطور می توان این را درک نمود؟ به سادگی، این قوم تنها شهر خود را باز یافته بود، شهری که در آن متولد گردیده بود، شهر خدا، این قوم با شنیدن تورات، هویت خود را باز یافت، و برای همین شاد گشته و اشک می ریخت. تا جایی که نحما و لاویان، همه با هم قوم را چنین ندا سر می دادند: « امروز برای یهوه خدای شما روز مقدس است، پس نوحه گری ننمایید و گریه مکنید ». براستی، « همه ی قوم هنگامی که بو تورات گوش فرا می دادند، اشک می ریختند: اما از شادی گریه سر می دادند، گریه می کردند زیرا که هویت خویش را که سالها در اسارت از دست داده بودند، باز یافته بودند، »

برای بنی اسرائیل، مسیر بسیار طولانی بود. اینگونه نحما به قوم می فرماید: « پس محزون نباشید سرور خدا قدرت شماست ». این شادی خداست هنگامی که هویت خود را میابیم. اما، هویت ما در طول راه از دست می رود، در طول اسارت از دست می رود و یا اسارت که حاصل خود ما است، هنگامی که جز خانه ی خدا در خانه های متعدد سکنی میگزینیم. این است بنابراین، اهمیت « پیدا نمودن هویت واقعی ».

پرسشی که اکنون از جانب پاپ اعظم مطرح است این است که، چگونه باید هویت خود را باز یابیم. « نشانه ای هست که تو را به آنجا می برد، دلتنگی هست، دلتنگی خانه ی تو ». به گونه ای که هنگامی که چیزی که به تو تعلق دارد از دست می دهی، خانه خود را، آن چیز که فقط به تو تعلق داشت، دل تنگی را به وجود می آورد، و این دلتنگی تو را به خانه باز می گرداند. برای قوم اسرائیل نیز چنین گردید، که « با این دلتنگی، احساس نمود که شاد است و از خوشحالی گریه نمود، زیرا در این دلتنگی، هویت خود را یافته بود: این بخشش خدا است.

با پیش گرفتن بررسی وجدان، پاپ فرانسیس این تعمق را پیشنهاد می دهد: اگر ما برای مثال، از غذا سیر باشیم، دیگر گرسنه نیستیم؛ اگر در جایی که هستیم در آرامش هستیم و نیاز به چیز دیگر نداریم، به جای دیگر نخواهیم رفت. این پرسش برای من پیش می آید، و بهتر است همه ی ما این پرسش را از خود نماییم، به چیزی نیاز ندارم؛ از لحاظ روحانی، آیا در قلب خود به فکر نمی روم؟ آیا دلتنگی در درون من خاموش شده است؟.

پاپ اعظم، بار دیگر به مردم نگاه نمود « در شادی گریه مینمود و خوشحال بود؛ قلبی که در خود دلتنگی ندارد، شادی را نمی شناسد» و « شادی، شادی خدا، قدرت اصلی ماست». زیرا، قلبی که نداند دلتنگی چیست، نمی تواند مسرور باش، و سالها این مسیر پیموده شده در طول این راه، در جشن خاتمه می یابد».

این متن از کتاب نحمیا، در تصویر ملتی که « میخوردند و می آشامیدند و جشن بر پا کرده بودند، چرا که کلامی که به آنها اعلام شده بود را درک نموده بودند». یا بهتر گفت که آنچه را که دل تنگ آن بودند را بدست آورده بودند.

در پایان پاپ اعظم، اصرار نمود، همه از خود بپرسند: « دلتنگی ما از خدا چگونه است؟ آیا شاد هستیم، آیا هر روزه خرسند هستیم یا باید به همین طریق پیش رفت؟ و در طول دعا از خدا خواست تا بخشش خود را به ما عطا فرماید، هیچ وقت دلتنگی خدا در دلهای ما خاموش نگردد.

واتیکان پنجشنبه ۱ اکتبر ۲۰۱۵

نماز صبح پاپ اعظم فرانسیس